

کارکردهای مهندسی آهنگ کلام در فهم معجزه خاتم با تأکید بر بیانات رهبری در محافل انس با قرآن

سید مهدی رحمتی*^۱ (استادیار گروه الهیات (علوم قرآن و حدیث) دانشگاه گنبد کاووس)

DOI: [10.22034/JILR.2024.140229.1097](https://doi.org/10.22034/JILR.2024.140229.1097)

تاریخ الوصول: ۲۰۲۳/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹

تاریخ القبول: ۲۰۲۴/۰۳/۱۳

صفحات: ۵۱-۷۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

چکیده

همسازی میان آوا و جان کلام الهی که حاصل تمایز میان مقام‌های حاکم بر کلام و دقت در انتخاب نعمات متناسب با آن است، تلاوت قرآن را مبدل به هنری بزرگ نموده که تأثیرگذاری آن در دل‌های مخاطبان را به دنبال دارد. این مهم به عنوان انگیزه‌ای ریشه‌دار در کلام وحی و سیره‌ی بزرگان دین، همواره در بیانات رهبر معظم انقلاب جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. مسئله‌ای که پژوهش کتابخانه‌ای حاضر را بر آن داشت تا با توصیف و تحلیل بیانات معظم له در محافل انس با قرآن کریم و دیدار با قاریان، پاسخگوی مطالبه‌ی ایشان در زمینه‌ی لزوم شناسایی هرچه دقیق‌تر گونه‌ها و کارکردهای آوایی و دلالت‌های معنایی آهنگ کلام در فهم معجزه خاتم باشد. درنگ در بیانات ایشان در دیدار با قاریان به سال‌های ۱۳۶۹ش تا سال ۱۴۰۲ش - که شامل بیش از هفتاد دیدار و نشست است - حاکی از آن است که ایشان افزون بر تأکید حداکثری بر خودتأثیری قاری از مضامین قرآنی و تکیه بر مفاهیم «انس با قرآن»، «تدبر در کلام وحی»، «حفظ قرآن»، و «پابندی و عمل به قرآن کریم»، لزوم رعایت آداب ظاهری تلاوت و مسئله‌ی «رعایت اصول قرلنت» و تأثیرگذاری آن بر جان مخاطبان را مورد توجه قرار داده‌اند. در این میان، توجه به اعجاز موسیقایی قرآن و ضرورت تناسب نظام آوایی و مفهومی آن با عنایت بر گزینش صوت و لحن مناسب، وقف و ابتدا، تکیه و تکرار از جمله‌ی سفارش‌های مکرر ایشان به شمار آمده که گاه با کلیدواژه‌ی مهندسی تلاوت از آن یاد شده است.

کلیدواژه‌ها: قرائت قرآن، فهم قرآن، رهبر معظم انقلاب، مهندسی تلاوت، آهنگ کلام

^۱ نویسنده مسؤؤل؛ پست الکترونیک: rahmati@gonbad.ac.ir

وظائف هندسة أغاني الكلام في فهم معجزة الخاتم؛ التأكيد على كلام آية الله الخامني في محافل الأنس بالقرآن

الملخص

إن التناغم بين صوت الكلمة الإلهية وروحها، والذي هو نتيجة التمييز بين السلطات الحاكمة للكلمة والدقة في اختيار النغمات المناسبة، جعل تلاوة القرآن فناً عظيماً، له تأثير في قلوب المشاهدين. هذه الأهمية، باعتبارها دافعاً متجدداً في كلمات الوحي وحياة شيوخ الدين، حظيت دائماً بمكانة خاصة في تصريحات المرشد الأعلى للثورة. المشكلة التي دفعت البحث المكتبي الحالي إلى وصف وتحليل أقوال حضرته في حلقات الناس مع القرآن الكريم والاجتماع مع القراء، والإجابة على مطلبهم في مجال ضرورة التعرف على أدق ما يمكن. إن الأنواع والوظائف الصوتية والدلالات الدلالية لأغنية الكلام يجب أن تكون الخطوة الأخيرة في فهم معجزة الخاتم. دراسة أقواله في لقاءاته مع القراء من عام ١٣٦٩هـ إلى ١٤٠٢هـ - والتي تشمل أكثر من سبعين لقاء ولقاء - على أنه، إضافة إلى أقصى قدر من التأكيد على تأثير الفارئ ذاتياً في الموضوعات القرآنية والاعتماد على مفاهيم "العلاقة بالقرآن"، و"التفكير في كلام الوحي"، و"حفظ القرآن"، و"الاتباع والعمل بالقرآن الكريم"، وضرورة مراعاة الآداب الخارجية وقد تمت الإشارة إلى مسألة التلاوة ومسألة "مراعاة أصول التلاوة" وتأثيرها في حياة المستمعين. وفي الوقت نفسه فإن الاهتمام بالإعجاز الموسيقي للقرآن وضرورة ملاءمة نظامه الصوتي والمفاهيمي فيما يتعلق باختيار الصوت والنغمات المناسبة، والوقف والتأسيس، والاعتماد والتكرار، من أوامره المتواترة. في بعض الأحيان مع الكلمات الرئيسية تم ذكر هندسة التلاوة.

الكلمات المفتاحية: قراءة القرآن، فهم القرآن، قائد الثورة، هندسة التلاوة، أغنية الكلام

مقدمه

یک جنبه‌ی عظمت و اهمیت قرآن کریم، زیبایی هنری آن است. بعدی که در رویارویی نخست، دل‌ها را همچون مغناطیس به سوی اسلام جذب نمود. عرب‌ها، که هم موسیقی الفاظ را می‌فهمیدند و هم با زبان ادب آشنا بودند، ناگهان به میان آمدن پدیده‌ای را شاهد بودند که شبیه آن را ندیده بودند. آن چه که نه شعر بود و نه نثر، اما یک پدیده‌ی هنری فوق‌العاده به شمار می‌آمد. (بیانات رهبر معظم در محفل انس با قرآن کریم؛ ۱۳۹۸/۲/۱۶) ارتباط عمیق آهنگ کلام با ترکیب و ساختمان آن در زبان عربی، منجر به انسجام و انتظام هرچه تمام واژگان و بستر به کار رفته در آن شده است. چه به گفته‌ی بزرگان این زبان، صوت همان ابزار و وسیله‌ی لفظ است. جوهری که نظام آغاز و انجام سخن بدان قوام می‌یابد. (جاحظ، ۶۵/۱) امری که تنها محدود به جنبه‌ی صوری و تألیفی واژگان سازنده متن نشده و در حوزه‌ی دلالت معنایی و اثرگذاری بر خوانندگان و شنوندگان نیز امتداد یافته است. (عیاد، ۱۴۰) قرآن کریم نیز به عنوان فصیح‌ترین نمود زبان عرب، با معجزه‌ی کلام‌گونه و متمایز از دیگر معجزات پیامبران، با اعجاز موسیقایی بی‌نظیر، شنوندگان خویش را در طول تاریخ شیفته و مجذوب آوای ملکوتی خود نموده و در مسیر هدایت‌آفرینی و حیات بخشی، در اوج صلابت و با رساترین گفتار ممکن، مراد خود را بیان نموده است. (پورت، ۱۱۱؛ زرقانی، ۲۳۴/۲-۲۳۵) با این حال و با وجود تلاش پژوهشگران و بررسی‌های ادبی در دریافت لطایف معنایی قرآن کریم، همچنان توجه به نغمه‌ی کلام الهی نیازمند پژوهش و کاوش اهل تحقیق است. عرصه‌ای که از یک‌سو پهلو به پهلو ادبیات قرآن کریم زده و از سوی دیگر در همسایگی تنگاتنگ دانش قرائت قرار داد. فراز و فرود آوایی واژگان اعجاز آفرین قرآن که وامدار نظام ترکیب و همنشینی کلمات است، عامل مؤثری در انتقال معانی و مفاهیم قرآنی به شمار می‌رود. از این رو اهل پژوهش با اذعان به اهمیت دریافت صحیح آهنگ کلام الهی و شناخت زمینه‌های صحیح کاربست آن به این مهم اشاره کرده‌اند. (فرج، ۱۱۶؛ بروکلان، ۴۵؛ شیل، ۱۲۵؛ حبص، ۷۱) موضوعی که گرچه گاه از سوی برخی مفسران قرآن کریم و ادیبان مورد اشارت قرار گرفته و در تبیین کلام وحی به کار رفته (القمی النیسابوری، ۷۴/۳؛ اشمونی، ۱۱۶؛ الانباری، ۹۴۱/۲؛ نحاس، ۷۴۸/۲) اما مطالعه‌ی متمرکز بر آن در منابع تفسیری همچنان تلاش‌های پژوهشی محققان را طلب می‌نماید. چه محققان درباره‌ی نقش آفرینی آهنگ کلام در فهم سخن، هم‌نظر نیستند. برخی برآنند که کاربست نظام آوایی در لغت فصیح و کهن عرب وجود نداشته (الانطاکي، ۱۹۷؛ حسان، ۲۲۸) و برخی دیگر با ارائه‌ی نمونه‌هایی چند از رخداد این پدیده در بیان ادیبان گذشته وقوع آن را تأیید نموده و بازنشدن فصلی مجزا به نام آن در میراث نحوی و بلاغی را به معنای خلأ و نبودن آن ندانسته‌اند. (الطالب، ۸۱، کشک، ۵۱؛ جبل، ۱۸۰) از جمله نحویان متقدم که با تعبیری غیر مستقل از اهمیت کاربرد آهنگ کلام یاد کرده‌اند می‌توان به سیبویه (سیبویه، ۳۳۹/۱)، ابن جنی (ابن جنی، ۳۷۲/۲؛ ۲۷۲/۳)، عبد القاهر جرجانی (الجرجانی، ۴۷) اشاره کرد. همچنین برخی

دانشیان تجوید و قرآن پژوهان نیز با تکیه بر «حق تلاوت» و تعبیر آن به لزوم رعایت مقام‌های حاکم بر آیات همچون خوف، تعظیم و غیره توسط قاری به این پدیده و اهمیت تأثیرگذاری آن اشاره داشته‌اند. (البدوی، ۳۴/۱؛ ابن الجزری، ۹؛ زرکشی، ۱۸۱/۲؛ ۲۱۷/۲) از این رو شیخ الرئیس نیز در عنوان «الخطابه» با اذعان بر اهمیت نظام صوتی در درک کلام، با اشاره به انواع نغمه‌های موجود در زبان عربی، به اهمیت بهره‌مندی از آن در شناخت انواع جمله و خطاب تأکید نموده است. (ابن سینا، ۲۲۳/۴—۲۲۴) موضوعی که در بیانات رهبر معظم انقلاب و دیدار ایشان با قاریان قرآن در موارد متعددی مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. در نگاه ایشان تلاوت قرآن یک سرگرمی و تفتن نیست، بلکه کاری اصولی است. (بیانات رهبر معظم در محفل انس با قرآن کریم و دیدار با قاریان، ۱۳۷۱/۱۲/۱۷) چه پیوندی استوار میان شیوهی قرائت و محتوای آیات و به دنبال آن تأثیرگذاری قرآن کریم بر جان‌ها وجود دارد. (بیانات رهبر معظم در محفل انس با قرآن کریم و دیدار با قاریان، ۱۴۰۲/۱/۳) بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا پس از یادکرد پیشینه‌ی تحقیق، گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره‌ی اهمیت کاربست صحیح آهنگ در قرائت را گزارش کند. آن‌گاه به مفهوم‌شناخت «تنغیم، نبر، وقف و ابتدا» به عنوان مفاهیم محوری در عرصه‌ی مهندسی موسیقی تلاوت بپردازد. در فرجام نیز با ارائه و ارزیابی مهم‌ترین نمونه‌های این ابزار ارزشمند در معناپردازی و انس با قرآن کریم، دغدغه‌ی ارزشمند و اثرگذار رهبر معظم انقلاب را دنبال کرده و آغازگر راهی نوین در عرصه‌ی معناپردازی قرآن کریم و انس با کلام وحی براساس مهندسی تلاوت به کمک قرینه‌ی آوایی باشد.

پیشینه تحقیق

درنگ بر پژوهش‌های سامان یافته در حوزه‌ی کارکردهای آوایی و دلالت‌های معنایی آهنگ کلام در فهم معجزه خاتم، نشان از نو بودن ایده‌ی تحقیق پیش رو دارد. چه هیچ‌کدام از پژوهش‌های محدود انجام گرفته در این عرصه به واکاوی گونه‌ها و کارکردهای آهنگ کلام در تفسیر نپرداخته‌اند. نگاشته‌های عرضه شده در این حوزه به زبان فارسی بسیار محدود است. براساس جستجوی انجام شده تنها سه اثر مسئله‌ی پژوهش را دنبال کرده‌اند. تحقیق نخست «واکاوی ایقاع نبر و تنغیم در جزء ۳۰ قرآن کریم» (غیبی، پرشور، ۱۳۹۷) است. پژوهشگران این اثر سعی نموده‌اند تا ساختار موسیقایی جذاب و تأثیرگذار قرآن کریم در انتقال پیام و محتوای دینی را با تأکید بر دو عنصر «نبر و تنغیم» معرفی نمایند. ایشان با ارائه‌ی دوگانه‌ی ایقاع و تأثیرگذاری اعجاز قرآنی در دو بخش درونی و بیرونی، بر نبر و تنغیم به عنوان دو نوع از انواع ایقاع بیرونی که کارکرد فونیمی دارد متمرکز شده و در طول انجام پژوهش نمونه‌هایی از آیات و کاربست قرائت آهنگین در آن را بیان کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است استعمال بجای نبر و تنغیم از یکسو سبب آهنگین شدن آیات و فعال شدن رخداد قرائت و از سوی دیگر درک صحیح مفاهیم و معانی آیات می‌شود.

پژوهش دوم «تأملی بر گستره‌ی اثرگذاری لهجه‌ها، تنوع صوتی و تنغیم در توسعه‌ی قرائت قاریان و خوانش متن» (خالدی و همکاران، ۱۴۰۱) است. پژوهشی در حوزه‌ی شناسایی ریشه‌های اختلاف قرائات که بخشی از تلاش خود را بر مسئله‌ی تنغیم اختصاص داده است. محققان این نگاه‌سته براساس دوگانه‌ی رویکردهای پیشینی و پسینی به مسئله‌ی اختلاف قرائات، تحقیق خود را سامان داده‌اند. ایشان معتقدند که در رویکرد پیشینی و کهن، اختلاف قرائات، ریشه در تفاوت لهجه‌ها، ناهمسانی گویش‌ها و نقص‌های نوشتاری داشته است. اما در رویکرد پسینی، کنشگری حوزه‌ی بیانی و لفظی متن قرآن، زمینه‌ساز توسعه‌ی تنوع قرائات شده و بستری برای تنوع خوانش‌ها، از جهت معناداری متن و تفسیر آن به وجود خواهد آورد. اما آخرین تحقیق قابل گزارش، پژوهش «کاربست علوم ادبی در فهم و تفسیر قرآن کریم؛ مطالعه موردی تفسیر نیشابوری» (رحمتی و حاجی اکبری، ۱۴۰۰) است. نگارندگان این مقاله با تأکید بر اهمیت جایگاه زبان و ادبیات عربی در درک هرچه بیشتر زویا و لطایف معنایی قرآن کریم، به موردکاوی تفسیر غرلب القرآن و غرلب الفرقان نظام نیشابوری پرداخته‌اند. تفسیری با رویکرد جامع و جلوه‌های ادبی ویژه، که در بخشی از تلاش‌های ادبی خویش با توجه‌بخشی به نظام آوایی قرآن کریم و اعجاز موسیقایی آن، مسئله‌ی تنغیم و قرائت آهنگین را مطرح کرده و شواهد چندی را ارائه کرده است. باری درنگ در عناوین یاد شده نشان از آن دارد که با وجود عنایت محققان گرامی بر ساختار آوایی کلمات و عبارات قرآن کریم و عرضه‌ی آثار پژوهشی چند در این حوزه، هیچ تحقیق مستقلی، دغدغه و سفارش رهبری معظم درباره‌ی جایگاه ویژه‌ی کارکردهای آوایی قرآنت و دلالت‌های معنایی آهنگ کلام در فهم معجزه خاتم را به عنوان روشی متمایز دنبال ننموده و پژوهش پیش رو در این کوشش پیشگام به شمار می‌رود.

رهبری و قرائت قرآن

درنگ در بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با قاریان به سال‌های ۱۳۶۹ش تا سال ۱۴۰۲ش حاکی از آن است که ایشان افزون بر تأکید حداکثری بر «انس با قرآن»، «تدبر در کلام وحی»، «حفظ قرآن»، و «پابندی و عمل به قرآن کریم»، مسئله‌ی «رعایت اصول قرائت» و تأثیرگذاری آن بر جان مخاطبان را مورد توجه قرار داده‌اند. اصول مطرح شما از سوی ایشان که تحت عنوان مهندسی تلاوت نیز یاد شده را می‌توان در این موارد جای داد: آگاهی از وقف و ابتدا و مواضع قطع و وصل، شناخت تکیه‌های کلام، تسلط بر الحان متناسب با آیات، اعتدال در تلاوت اختلاف قرائات و کاربری موارد مؤثر در معنا، پرهیز از شیوه‌های ناکارآمد همچون یک نفس خوانی و به کارگیری الحان آوازه‌خوانان، توجه به معنای آیات و انتخاب خوانش متناسب با آن، انخفاض و اعتلای صدا به معنای بالا رفتن و پایین آمدن صدا براساس ارتباط با آیات و تکرار برخی فرازهای ویژه.

در نگاه ایشان مسأله تلاوت قرآن، صرفاً مایه سرگرمی و هنرنمایی نیست، بلکه وسیله‌ای برای دست یافتن به فضای قرآنی در کل جامعه است. (دیدار با جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۲/۸/۶) از منظر رهبر معظم انقلاب، قرائت قرآن کریم، امر مهم، بزرگ، برجسته، فنی و هنر مرکبی است که با ترکیب آهنگ و خصوصیات گوناگونی که در تلاوت مورد توجه است منجر به تأثیرگذاری بر شنونده می‌شود. (بیانات رهبر معظم در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۲/۱/۳) هنری مقدّس که در شمار برترین هنرهای قدسی است و باید در خدمت ذکر و دعوت باشد. مستمع، باید به شنیدن قرائت هنرمندانه، متذکّر شده و به یاد عوالم بالا بیفتد. (بیانات رهبر معظم در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۱/۱/۱۴) هدفی که افزون بر هدفمندی قرائت، نیازمند مهندسی قرائت است. یکی از نکات حائز اهمیت در مهندسی قرائت، انتخاب لحن متناسب با آیات قرآن است. به گونه‌ای معظم له در این باره گفته‌اند:

مهندسی یعنی چه؟ چند جور مهندسی هست: یکی انتخاب لحن مناسب برای هر بخش. مثلاً فرض کنید که همه‌ی لحن‌ها برای لحن قصه مناسب نیست، یا همه‌ی لحن‌ها برای آیات انذار از عذاب مناسب نیست؛ یک لحن‌هایی مناسب است، یک لحن‌هایی مناسب نیست؛ لحن مناسب با آن مضمون را باید پیدا کنید. بعضی از قرآء مصری در این کار حقاً و انصافاً در سطح عالی‌اند که می‌دانند با چه لحنی بایستی این [آیات] را بخوانند؛ این که اگر انذار است، اگر وعید است، اگر بشارت است، اگر وعده‌ی بهشت است، اگر قصه است، هر کدام از این‌ها یک لحن را اقتضا دارد؛ باید مهندسی کنید. یک مهندسی دیگر، مهندسی انخفاض و اعتلای صدایتان است؛ صدا را کمی بالا ببرید، کمی پایین بیاورید؛ این مهم است. بعضی‌ها صدا را بی‌مورد بالا می‌برند، جایی که اصلاً جای بلند کردن صدا نیست. باید تشخیص بدهید که کجا بایستی صدا را بلند کرد و با تن بلند باید خواند، کجا بایستی آرام خواند. (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۱/۱/۱۴)

نمونه‌ی مطرح شده از سوی ایشان در موضوع اهمیت موسیقی کلام آیه‌ی ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا﴾؛ پس یکی از آن دو [دختر] در حالی که با حالت شرم و حیا گام بر می‌داشت، نزد او [موسی‌ع] آمد و گفت: پدرم تو را می‌طلبد تا پاداش اینکه [دام‌های] ما را آب دادی به تو بدهد (قصص، ۲۵) است. تلاوت مورد استناد ایشان نیز که در بیش از یک دیدار بدان اشاره شده است، تلاوت مصطفی اسماعیل قاری مشهور مصری از این آیه است. سخن آیت الله خامنه‌ای با تحسین قرائت مصطفی اسماعیل و تأثیرگذاری خوانش وی در معنارسانی صحیح آیه این چنین است:

خب این را ما اگر بخواهیم بخوانیم چه جوری می‌خوانیم؟ ما همین جوری می‌خوانیم: ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾؛ یکی از آن دو دختر آمد، با حیا حرکت می‌کرد؛ خیلی خب، این خواندن عادی است. مصطفی اسماعیل این جوری نمی‌خواند؛ او می‌گوید ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي﴾، ﴿عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾ را نمی‌گوید؛ یک فاصله‌ای می‌کند، بعد می‌گوید «عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»؛ چرا؟ برای اینکه این حیا کردن

دختر معنا دارد. خب این همان دختری است که نیم ساعت قبل از این یا یک ساعت قبل از این، پهلوی همین جوان بوده و گوسفندانش را آب داده و رفته؛ حالا چرا خجالت می‌کشد، [اولی] آن وقت خجالت نمی‌کشید؟ [چون] این جا رفته‌اند پیش پدر صحبت کرده‌اند و از این جوان تعریف کرده‌اند، یک گفتگویی داخل خانه شده راجع به این جوان، لذاست که این دختر حالت حیا دارد وقتی که می‌آید؛ ﴿عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾. این را می‌خواهد مشخص کند، می‌خواهد این را برجسته کند؛ لذاست «تمشی» را می‌گوید، «عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» را جدا می‌کند، جدا می‌گوید. از این قبیل هست؛ اگر چنانچه توجه به این‌ها باشد، به نظر بنده خیلی خوب است. یا تکرار بعضی از آیات یا تکرار بعضی از جملات یا ارتفاع و انخفاص صوت — بالا رفتن و پایین آمدن صوت — در بعضی از جاها، این‌ها همه شگردهای مهمی است که کمک می‌کند به تأثیرگذاری قرآن در دل‌ها. (بیانات رهبر معظم در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۲/۱/۳)

در اهمیت قرائت یاد شده در نگاه رهبری باید افزود که رهبر معظم انقلاب نمونه‌ی یاد شده را در بیش از یک دیدار گزارش نموده‌اند. (بیانات رهبر معظم در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۲/۱/۳؛ نمونه‌ی دیگر در اهمیت موسیقی و لحن حاکم بر قرائت، قرائت فاطر عبدالفتاح شعاعی است. قاری ممتازی که بدون بهره‌گیری از نفس بلند و قرائت بلند، تنها با استفاده‌ی آوای مناسب، شنوندگان را مجذوب کرده و متأثر از کلام وحی نموده است. آن طور که رهبر معظم انقلاب درباره‌ی آن گفته‌اند:

کیفیت القاء هم خیلی مهم است. بنده حالا یک نمونه را عرض بکنم: تلاوت سوره‌ی مبارکه‌ی فاطر عبدالفتاح شعاعی — که واقعاً یک تلاوت‌گر فوق‌العاده است — [وقتی] می‌رسد به این آیه‌ی شریفه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ﴾ (فاطر، ۱۵) می‌دانید که مستمع‌های عرب دنبال این هستند که نَفَس بلند به کار برود. وقتی قاری با نَفَس طولانی تلاوت می‌کند خوششان می‌آید و تشویق می‌کنند و الله الله می‌گویند، و نَفَس کوتاه را خیلی دوست نمی‌دارند. عبدالفتاح نَفَسش کوتاه است اما این ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ﴾ را با یک لحنی می‌خواند که این مجلس زیر و رو می‌شود! به نظر من بشنوید این تلاوت را؛ مجلس را زیر و رو می‌کند؛ از بس با لحن مناسبی این را می‌خواند. این لحن متناسب را در نظر داشته باشید. این [یک] مهندسی. (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۱/۱/۱۴) اما نمونه‌ی سوم از موارد مورد تأکید رهبری در اهمیت آهنگ کلام قاری، قرائت آیاتی از سوره نمل است. نمونه‌ای که با آمیختن تکرار در قرائت، توان تأثیرگذاری بر مخاطب را داشته و جان وی را مهبیای ذکر الهی و اتباع از آن می‌کند. ایشان درباره‌ی این قسم از مهندسی قرائت، که ارتباطی معنادار با وصل و قطع کلام دارد، گفته‌اند:

در سوره‌ی مبارکه‌ی نمل ﴿أَنْتُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۸) قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ (۳۹)﴾ (نمل) آن چنان این «أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ» را از زبان این عفریت

جن تکرار می کند و بیان می کند، گآنه انسان دارد می بیند این عفریت جن را که با یک غروری می گوید من برایت می آورم، «قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ» بعد [می فرماید]: ﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ﴾ (نمل، ۴۰)؛ یعنی [آن دیگری] زد تو دهن آن عفریت جتی، گفت قبل از این که چشمت را به هم بزنی من حاضر می کنم، که حاضر هم کرد. این را جوری می خواند که انسان گآنه دارد می بیند که این اتفاق دارد می افتد؛ این هم یک جور مهندسی است. بالاخره، به طور خلاصه، تلاوت قاری باید منشأ اثر باشد؛ باید شما که تلاوت می کنید، جوری تلاوت کنید که تأثیر در مستمع شما به وجود بیاید و منشأ اثر بشود. (بیانات رهبر معظم در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۱/۱/۱۴)

باری معظم له افزون بر موارد یاد شده، در موضوعی دیگر نیز با یادکرد نمونه‌هایی بر اهمیت شیوهی قرائت و رعایت شگردهای آوایی بر معنارسانی آیات قرآن تأکید داشته و آن را بستر تحقق انس با قرآن و جاری شدن قرآن در جامعه دانسته‌اند. مؤنستی که در نگاه ایشان هدفی متعالی به شمار آمده و زمینه‌ساز تدبّر در معجزه جاودان اسلام و عمل صالح می‌گردد. (بیانات رهبر معظم در محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۴/۳/۲۸؛ بیانات رهبر معظم در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات قرآن، ۱۳۸۹/۵/۲۱؛ بیانات رهبر معظم در جمع قاریان قرآن در روز اول ماه رمضان، ۱۳۸۶/۶/۲۲؛ بیانات رهبر معظم در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۳/۷/۲۵؛ بیانات رهبر معظم در پایان مراسم قرلثت قاریان قرآن، ۱۳۶۹/۱/۱۹) بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا با ارائه‌ی نمونه‌هایی تأثیرگذاری کاربست صحیح قرائت بر تفسیر قرآن کریم و بیان کارکردهای آوایی و معنایی آن، نقش مؤثری بر گفتمان‌سازی سفارش معظم له داشته و گامی مؤثر بر آگاهی بخشی هرچه بیشتر قاریان قرآن در جهت دست یافتن به فضای قرآنی در جامعه‌ی اسلامی بردارد.

مفاهیم مرتبط با آهنگ کلام؛ تنغیم، نبر، وقف و ابتدا

تنغیم، نبر، و وقف و ابتدا مهم‌ترین مفاهیم در حوزه آهنگ کلام و مهندسی تلاوت قرآن کریم است. این مفاهیم سه گانه، هریک نقشی مؤثر در ادای صحیح آهنگ کلام و انتقال معانی را بر عهده دارند. اما در این میان تنغیم – به سبب کارایی در دو عرصه‌ی واژگانی و جملات و دارا بودن نقش میانجی و واسطه‌ای در ارتباط با دو اصلاح دیگر – با تفصیل بیشتری تبیین می‌گردد. همچنین در ادبیات حاکم بر تحقیق به سبب تأثیرگذاری بیشتر این پدیده، گاه واژه‌ی تنغیم حکومت نموده و در موارد تطبیقی سایه افکننده است.

تنغیم و کارکردهای آن

لغت‌شناسان «نغمه» را جرس، آهنگ، کلام خفی، حُسن سخن و گوش‌نوازی صوت به هنگام قرائت دانسته‌اند (فراهیدی، ۴۲۶/۴؛ جوهری، ۲۰۴۵/۵؛ ازهری، ۱۴۲/۸؛ ابن فارس، ۴۵۲/۵). معنای مصطلح «تنغیم» –

به عنوان واژه‌ی کلیدی در قرائت آهنگین قرآن کریم — همبسته با معنای لغوی «نغمه» است. «تنغیم» اصطلاحی است زبانی که با صوت و حجم و میزان ادا در سخن به عنوان جزئی طبیعی در تکوین و شکل‌گیری زبان در ارتباط است (سیب، ۱۷۴). در تمامی زبان‌های بشری، فراز و فرود نغمات و اختلاف حاکم در آن، جزء طبیعی آن زبان به شمار می‌رود (حسان، ۱۷۹/۱). هیچ سخنی در سطحی یکسان ادا نشده و ارتفاع و نزول مقاطع سخن وجه تمایز نغمه‌های جاری در زبان‌هاست (النوری، ۲۷۴). توالی وزن و آهنگ در گفتار که نقشی بی‌بدیل بر تأثیرگذاری آن دارد. (بای، ۹۳) شدت و ضعف و فراز و فرودهایی که با درجاتی مختلف، گاه بر جمله‌ای کامل و گاه بر اجزای سازنده‌ی آن اعمال می‌شود. (عمر، ۱۹۱—۱۹۲) موضوعی که گاه از آن به موسیقی کلام تعبیر شده و در تغییر دلالت‌های معنایی اثرگذار می‌باشد. (محمد بشر، ۵۵۳) تا جایی که براساس دیدگاه محققان، آهنگ کلام توان شناساندن دقیق نوع جملات و نقش‌های نحوی را در مواضع اختلاف به خواننده متن می‌بخشد. (الخویسکی، ۱۲۱) و این تأثیرگذاری به سبب طبیعت زبان در نغمه‌بخشی به کلام به تناسب معانی و مفاهیم مورد نظر آن است. (الموسوی، ۱۳۵) بنابراین «تنغیم» پدیده‌ای نیست که تنها به کیفیت ادای واژگان و جنبه‌ی موسیقایی آن محدود شود. بلکه تسلط در شناخت دقیق آن یاری‌گر خواننده و فهمنده‌ی متن بوده و میزان کارآمدی تفسیر ارائه شده از متن تا حد قابل توجهی به دریافت شیوه‌ی درست پرداخت و ادای آن وابسته است. پژوهشگران زبان، در بررسی خصوصیت‌های زبر زنجیری گفتار و درنگ در دلالت‌های معنایی آن، صوت و آهنگ را در انواع جمله در حالات مختلف مورد توجه قرار داده و با متمایز ساختن کش و قوس‌ها و تکیه‌ها و کوبه‌های آوایی به دسته‌بندی آن پرداخته‌اند. (فراسخواه، ۱۳۷۶: ۱۶۷) باری گرچه اصطلاح «تنغیم» نخستین بار توسط ابراهیم انیس در پژوهش‌های زبانی عرب با عنوان موسیقی کلام (ریتیم) وارد گشت (عمر، ۳۶۶) و کاربست آن در جملات، تنغیم را در حوزه‌ی نحو و بلاغت نمود و راهی برای فهم هرچه بهتر متون فراهم آورد اما سابقه‌ی توجه به این پدیده در مطالعات زبان‌شناختی حوزه زبان عربی و مطالعات اسلامی بسی دیرین است. (رحمتی و حاجی اکبری، ۲۲۹؛ حاجی زاده، ۴۱)

پژوهشگران در تقسیم انواع نغمه‌ی کلام، معیارهای مختلفی را ارائه کرده‌اند. عده‌ای تنغیم را سه نوع (العاوی، ۱۶۵—۱۶۹)، گروهی چهار نوع (مشتاق عباس، ۲۲۳) و برخی دامنه‌ی آن را فراخ‌تر و پنج نوع (العانی، ۱۴۳) دانسته‌اند. اما در این میان تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ی تنغیم رایج‌تر بوده و مورد اتفاق اهل لغت و کارکردهای صوتی آن است. براساس تقسیم سه‌گانه، تنغیم بر سه گونه‌ی «نغمه‌ی رو به پایین، نغمه‌ی مسطح و یکنواخت، نغمه‌ی رو به بالا» است.

«نغمه‌ی رو به پایین» براساس وجود یک گام بلند در یک یا چند هجا و به دنبال آن لحن رو به فرود شکل می‌گیرد. (ایوب، ۱۵۳—۱۵۴) نغمه‌ای که اجرای آن نیازمند پایین آمدن سطح به سطح و

پرده به پرده‌ی صدا بوده (انیس، ۱۲۴) و در اسلوب‌های استهزا، تمنی، اظهار تأسف و ناراحتی کاربرد دارد. (العانی، ۱۴۶؛ العزوی، ۱۵۷)

«نغمه‌ی مسطح و یکنواخت» برخلاف دو نوع دیگر، فراز و فرود چندانی ندارد. این نغمه بر مبنای هجا و مقاطع همسان از نظر بالا و پایین بودن صوت شکل می‌گیرد. خواه هجاهای یاد شده کم، متوسط و یا زیاد باشد. آنچه در این نوع از نغمه، معیار است، همان هم‌ترازی و یکنواختی لحن است. (انیس، ۱۵۳—۱۵۴، حسان، ۱۹۹) شیوه‌ای که اصل در نظام صوتی کلام بوده و بیشتر از دو نوع دیگر در ادا و پرداخت طبیعی و معمول کلام و جملات خبری و تقریری مشتمل بر تذکر، نصیحت و آگاهی بخش جاری است. (الخویسکی، ۱۲۳؛ العزوی، ۱۵۷)

«نغمه‌ی رو به بالا» را می‌توان نقطه‌ی مقابل نغمه رو به پایین به شمار آورد. تنغیمی که اصل در آن وجود لحن و گام بالا در بیشتر مقاطع کلام است. آن طور که هر سطحی نسبت به سطح پیشین خود، بالاتر بوده و رو به افزایش است. (انیس، ۱۲۴) این نغمه در عبارات برانگیزاننده‌ی شامل امر، نهی، ترغیب، تعجب، استفهام و اهانت بسته به سیاق کاربرد دارد. (العزوی، ۱۵۷)

آشکارترین کارکرد تنغیم در حوزه‌ی قرائت قرآن کریم، ادای صحیح و بجای واژگان و جملات و کمک به درک بهتر مضامین قرآنی است (خالدی و همکاران، ۴۳). موسیقی و لحنی که با تصویرسازی صحیح آیات و تسهیل روند انتقال و دریافت کلام، نشان دهنده‌ی حال و مقام گوینده بوده و در ایجاد روحیه‌ی متناسب با متن قرائت شده برای خواننده مؤثر واقع می‌شود (بشر، ۵۳۴؛ بنتاجه، ۹۰). روشی که پیش‌تر از نزول و قرائت قرآن، در تاریخ حیات بشر دارای سابقه بوده و به گفته‌ی برخی محققان در میان مخلوقات خداوند، آدمیان نخستین بار توانستند کلمات و عبارات را با درجات و آکسان‌های صوتی مختلفی جهت ایراد معانی متناسب با آن استفاده کنند (انیس، ۱۷۶). کارکرد تنغیم تنها به جنبه‌های شنیداری قرآن کریم محدود نمی‌شود بلکه بر کیفیت و کمیّت کلمات و عبارات اثرگذار است. بنابراین تنغیم در شناخت خواص واژگان و نقش‌آفرینی جملات نقش مهمی را ایفا می‌کند. قاری با اتخاذ رویکردی متناسب با نوع کلمه و عبارت، کلمات و جملات را به صورت همسان و ملال‌آور بیان نکرده و با به‌گزینی آوایی و ایجاد تغییر کمی و کیفی در نظام موسیقایی، شکل‌گیری نغمات سازوار با محتوای قبل انتقال را رقم می‌زند. رخدادی که نیازمند آموزه‌های بنیادین علمی و عملی است و به تعبیر اهل فن تنها به صورت نظری آموخته نمی‌شود بلکه سماعی بوده و نیازمند درس‌آموزی شنیداری و دیداری است (ابن الجزری، ۳؛ غامدی، ۱۵۹).

بنابراین افزون بر کارکرد آوایی مبتنی بر واژگان، تنغیم را می‌توان ابزاری سودمند در جهت تعیین ساختار نحوی جملات (سلیمان، ۲۳)، کشف حالت گوینده، تبیین فضا و بستر حاکم بر سخن (النوری، ۲۷۵؛ العزوی، ۲۶) و در مرحله‌ای فراتر شناخت انسجام گفتمان جاری در کلام (عبد اللطیف، ۱۱۹) به شمار آورد. از این رو برخی پژوهشگران، نقشی همچون نقش علائم نگارشی برای تنغیم در

نظر گرفته‌اند. علائمی که از حیثیت‌های گوناگونی زمینه‌ی معناداری هرچه بیشتر عبارات را فراهم می‌سازند. گاه وظیفه‌ی ایجاد گسستگی در کلام را برعهده داشته و گاه قرینه‌ای برای پیوستگی و مکمل معنایی آن محسوب می‌شوند. (بشر، ۵۴۲)

نبر (تکیه)

پژوهشگران ارتباطی تنگاتنگ میان نبر و تنغیم دانسته‌اند. نبر، در لغت به معنای نوسان صدا و بالا رفتن آن پس از پایین آوردن آن است (معلوف، ۱۸۶۳/۲). واژه‌ای نوین در سابقه‌ی ادب عربی که با تعبیر دیرین «همز» می‌تواند آن را همسان دانست (سیویه، ۵۴۸/۳). این پدیده‌ی صوتی با فشار بر بخشی مشخص از اجزای کلمه، کلام را از آشفتگی و نارسایی رها کرده و به آن قوت و وضوح می‌بخشد. (حسان، ۱۶۰) نبر در قرائت کلام وحی به مثابه‌ی رسولی است که رعایت نمودن آن، منجر به یکنواخت شدن آوای قاری و مانع از القای دقیق معانی قرآنی به شنونده آیات می‌شود. (رحمتی و حاجی اکبری، ۲۲۸) وجه تمایز نبر و تنغیم را می‌توان در موضع کاربرست آن دو دانست. آن طور که نبر، با تکیه و فشار بر واژگان رخ داده و تنغیم بر مجموعه‌ی واژگان که همان جملات و عبارت است، اعمال می‌شود. (عمر، ۲۲۹؛ بای، ۹۲) به کارگیری تنغیم در جملات، این مفهوم را وارد در حوزه‌ی نحو و بلاغت نموده و آن را به ابزاری کارآمد جهت ادا و فهم هرچه بهتر متن مبدل می‌سازد. (غیبی و پرشور، ۵۹—۸۹) ابزاری که با تفاوت نهادن میان جملات از نظر محیط کاربری و کیفیت انشا و اخبار، موسیقی متناسب را با فراز و فرودهای بجا بدان بخشیده و با جدا نمودن دقیق نوع جملات از یکدیگر، شنونده را در فهم صحیح عبارات یاری می‌نماید. این درحالی است که نبر، نشانه‌ای از تغییر ادای ساختمان صرفی کلمه بوده و توانایی انتقال آن از معنایی به معنای دیگر را داراست. در موضوع نبر که می‌توان آن را معادل واژگان استرس و تکیه به حساب آورد، صداها بسته به کلماتی که در متن به کار می‌رود و موقعیتی که بر عهده دارند، قوت و ضعف می‌یابند. تکیه و فشار وارد شده بر کلمات با کاهش و افزایش صوت وارد بر آن، تمایز آوایی آن‌ها یا همان نبر را نمایان می‌سازد. باری نبر را می‌توان، وضوح نسبی یک صدا یا هجا در مقایسه با سایر صداها یا هجاهای همسایه تلقی نمود که بر طول صوت و بلندی صدا تأثیر می‌گذارد. (الجوانه، ۳۷—۳۸) نمونه‌ی قرآنی نبر و اختصاص آن به کلمات را می‌توان در کیفیت ادای واژه‌ی «ما» در آیه‌ی ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَقَّوهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَ شَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ﴾ (اعراف، ۳۷) مشاهده نمود. اگر قاری بر «ما» در عبارت «أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» نبر (تکیه و استرس) نداشته باشد، معنی از حالت استفهام توییخی کافران، به ظرف مکان عام یا اسم شرط و جزاء تبدیل شده و دیگر مقصود حق تعالی از این آیه منتقل نخواهد شد. نمونه‌های چندی را می‌توان برای تنغیم یاد نمود که در

بخش پایانی این مقاله به آن‌ها اشاره خواهد شد. اما نمونه‌ی فرضی حاضر جهت بیان تمایز نبر و تنغیم و جایگاه تحقق آن دو می‌تواند آیت ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (تحریم، ۱) باشد. به گونه‌ای که جمله‌ی «تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ» در صورت برخورداری از نغمه‌ی رو به بالا، از حالت جمله‌ی حالیه خارج شده و می‌تواند معنای استفهامی را منتقل نموده و آیه را از نظر معنایی متفاوت سازد. (حمدان رضوان، ۷۰؛ الجنادیه، ۶۵)

وقف و ابتدا

دیگر مفهومی که سایه به سایه‌ی تنغیم در ادای درست آیات قرآنی و افاده‌ی معنای دقیق از آن نقش آفرینی می‌کند، «وقف» است. کلیدواژه‌ای که کاربست آن ریشه در آموزه‌های نبوی (ص) داشته (الدانی، ۱۰۳) و با هم‌نشینی «ابتدا» و ترکیب اصطلاحی «وقف و ابتدا» در متون تخصصی قرآن و پژوهش‌های مرتبط با آن شناخته می‌شود. تسلط بر قرائات و آگاهی از فن وقف و ابتدا، در میان دانش‌های ضروری فهم و القای صحیح آیات قرآن به مخاطبان خود، بسیار مهم و ضروری است. (زرکشی، ۴۹۳/۱؛ دانی، ۴۸) آرا و نظریات گوناگونی در خصوص مواضع وقف در قرآن کریم از سوی عالمان قرائت از صدر اسلام تا کنون ابراز شده و مواضع به گونه‌های متفاوتی تقسیم بندی گشته‌اند. چراکه رعایت وقف و ابتدا افزون بر زینت‌بخشی آهنگ کلام، یکی از عوامل زمینه‌ساز شناخت کامل و دقیق معانی لغات و نقش کلمات در آیات قرآنی است. (نصر، ۱۵۴؛ محیسن، ۲۱۹؛ دانی، ۱۴۵؛ سخاوی، ۳۸۷/۲؛ نحاس، ۱۱۰) امری که در بیان علوی (ع) در تفسیر آیه‌ی ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ (مزل، ۴) مورد اشارت قرار گرفته و این‌گونه بیان شده است: «التَّرْتِيلُ هُوَ حِفْظُ الْوُقُوفِ وَبَيَانُ الْحُرُوفِ»؛ ترتیل همان رعایت محل‌های وقف و تلفظ صحیح حروف است. (طریحی، ۳۷۸/۵؛ جزری، ۲۰۹/۱)

اما ارتباط تنغیم با وقف، ارتباطی بس مهم است که در تنوع نغمه‌های رخ نموده در کلام تجلی می‌یابد. چه بنیان تنغیم و ریشه‌ی تحقق صحیح آن، وقف است. با وقف و ابتدای به هنگام بخش‌های اساسی کلام با یکدیگر پیوند خورده و یا از یکدیگر تفکیک می‌شوند. (برکه، ۱۰۲—۱۰۳) از این رو قرآن پژوهان و عالمان دانش قرائت، در مشهورترین تقسیم‌بندی وقف را بر چهار گونه‌ی «تام، کافی، حسن و قبیح» دانسته‌اند. (زرکشی، ۳۵۰/۱) انواعی که در صورت پیوند با آهنگ صحیح کلام در سه مورد نخست بدون اشکال است و در نوع چهارم به سبب اخلال در معنا و زمینه‌سازی تحریف معنوی کلام الله، متروک قلمداد می‌شود. از وقف بر واژه‌ی «الموتی» در آیه‌ی ﴿إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَ الْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ (انعام، ۳۶) می‌توان به عنوان نمونه‌ی وقف قبیح یاد کرد. چه خداوند متعال در این آیه درصدد بیان آن است که مردگان، یارای استجابت را نخواهند

داشت. اما فرود آوایی و وقف بر «الموتی»، استیناف حاکم بر آیه را نادیده گرفته، آن را از مقصود خود دور ساخته و معنایی ناروا را منتقل می‌سازد. (ابن الجزری، ۲۲۹/۱)

کارکردها و دلالت‌های آهنگ کلام در فهم قرآن

شناخت و تأثیرگذاری اعجاز موسیقایی قرآن کریم، مرهون خواندن صحیح و مبتنی بر اصول و قواعد معجزه خاتم است (مزل، ۴). خواندنی توأم با آرامش، رعایت شیوایی واژگان و شناخت مواضع کلام ریشه در شناخت شأن آیات قرآن کریم و معرفت معانی عمیق آن دارد (کلینی، ۶۱۴/۲). زیبا خواندن قرآن و درست ادا کردن کلمات آن، دروازه‌ای به سوی کسب معانی و مفاهیم آیات است؛ امری که ارتباطی تام با بسامد موسیقایی کلام وحی داشته و افزون بر کارکردهای معناشناختی، در تلاوت قرآن و برانگیختن احساسات مخاطب تأثیر بسزایی دارد (غیبی و پرشور، ۵۰). نمونه‌های متعددی از کاربرست تفسیری آهنگ کلام در شناخت ساختار آوایی و دریافت دلالت‌های معنایی آیات قرآن را می‌توان یاد کرد. در ادامه با تمرکز بر دوگانه‌ی «کارکردهای آوایی» و «دلالت‌های معنایی» به بررسی و تحلیل نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم می‌پردازیم.

کارکردهای آوایی

ضرب آهنگ نادرست و نغمه‌ی ناکوک در ادای کلام، تحدیدی جدی در ارتباط با شنونده و دریافت مفاهیم از سوی او به حساب می‌آید (حسام‌الدین، ۲۱۱؛ انصاری، ۶۱). امری که در قرائت قرآن کریم بیش از همه شایسته‌ی توجه و پی‌گیری است. چراکه معجزه‌ی جاودان آیین خاتم، متناسب با هر سوره و آیه، بسته به هر مقطع و فقره و در هر منظر، داستان و مطلع و ختام خود دارای اسلوبی متمایز و تأثیرگذار است که ارتباطی تام با موسیقی و نغمه‌های سازوار حاکم بر آن دارد (الصالح، ۳۳۴). بنابر این مهم‌ترین کارکردهای آوایی تنغیم در قرآن کریم از این قرار است:

آهنگ کلام و تحقق ترتیل

رعایت ترتیل و پایبندی به قرائت حسن از جمله مواردی است که در روایات نبوی (ص) و اهل بیت (ع) ایشان مورد تأکید قرار گرفته است. آن طور که نگارنده‌ی الکافی، فصلی با نام (بَابُ تَرْتِیلِ الْقُرْآنِ بِالصَّوْتِ الْحَسَنِ) را به این امر اختصاص داده و به گزارش سفارش‌هایی از سوی آل الله (ع) درباره اصل حسن قرائت و لوازم و شرایط تحقق آن پرداخته است. (کلینی، ۱۴۲/۲—۶۱۶) امری که از یک‌سو در گرو آراسته شدن قاری به معارف قرآنی و از سوی دیگر در گرو حسن ادا و قرائت آیات متناسب با مقام و در نظر داشتن ظرائف آوایی است. در این میان استفاده از نغمه‌ی نیک (کلینی، ۶۱۵) و ادای به تناسب واژگان و فرازهای آیات قرآنی (مغربی، ۱۶۱/۱) یکی از مهم‌ترین دستورالعمل‌های صادر شده از اهل بیت (ع) به شمار می‌رود. موضوعی که پیوندی ناگسستنی با اعجاز موسیقایی قرآن کریم و

تأثیر آن بر جان مخاطبان دارد. چه نفس آدمی به دنبال زیبایی است و گوش‌نوازی معجزه‌گونه و باطراوت قرآن از زمان نزول قرآن تا کنون ارتباطی محکم با شیوهی ادا و انتقال آن دارد. مسئله‌ای که تأثیری شگرف بر مشرکان گذارد (زرکشی، ۲۰۸/۱) و رهبران آنان را واداشت تا به منظور رهایی از این اثرگذاری بی‌نظیر، مانع رسیدن صدا و ندای دلنواز قرآن کریم شوند. آن‌طور که قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ﴾؛ کافران گفتند: به این قرآن گوش ندهید و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید! (فصلت، ۲۶)

تقویت معنا و تأثیر کلام

قرآن همان‌گونه که از نظر واژه‌گزینی، چیدمان عبارات و شیوهی بیان معجزه به حساب می‌آید، از منظر آهنگ، جرس و نغمه‌ی نیز آورده‌ی بی‌نظیر پیامبر خاتم (ص) است. بنابراین آنچه زمینه‌ساز درک بهتر و ایقاع معجزه‌ی خاتم می‌گردد، حسن ادا و به کارگیری نغمه‌های متناسب با آیات و مقاصد آن است. (البیاتی، ۲۲) بررسی تاریخ فرهنگ عربی و حضور پر رنگ فرهنگ شفاهی در زندگی آنان دارد. آن‌طور که آنان در داوری میان متون ادبی، قوه شنوایی و گوش‌نوازی کلام را معیاری مهم و تعیین‌کننده قلمداد می‌کردند. امری که عرصه را برای درک هرچه بهتر آوای ملکوتی قرآن گشود و آنان را تحت تأثیر نوای آسمانی کلام وحی قرار داد. (انیس، ۱۹۶) در دوران حاضر نیز گاه نفوس ناآرام بشری تنها با شنیدن نغمه‌ی بجا و سازوار با آیات قرآن، بدون آن‌که درکی از محتوای متعالی قرآن کریم داشته باشند، طعم آرامش را چشیده و از وادی دلهره و ترس به در می‌آیند. قرآن کریم با گردآوری محاسن شعر و نثر و درآمدن از تنگناهای هریک، حروف، کلمات و عبارات را به گونه‌ای توزیع نموده است که حس موسیقایی هر شنونده‌ای را متوجه خود می‌سازد. توجهی که نتیجه‌ی نهایی آن، خشوع شنونده در برابر معنای تقویت یافته با آوای سازگار با آن است. (الرافعی، ۱۹۹۰: ۲۱۴) به عنوان نمونه تکرار سی و یک باره‌ی فراز ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَان﴾ سوره‌ی الرحمن، همراه با نغمه‌ی رو به بالا و وقف بر پایان هر مقطع، استفهام انکاری را آشکار ساخته و به مخاطب یادآور می‌شود که این این گستره از نعمت‌های الهی قابل چشم‌پوشی نبوده و شایسته‌ی قدردانی و خشوع است. تلاوتی که برای انتقال بهتر تنوع نعمت‌بخشی الهی و تأکید بر لزوم تأمل مخاطب می‌بایست به همراه فراز و فرود آوایی و در نهایت وقف و ختم بر هریک از این مواضع سی و یک گانه باشد. چراکه قاری گرچه به سبب کوتاهی آیات سوره الرحمن می‌تواند بدون توقف و نفس‌گیری قرائت خود را امتداد بخشد، اما این امر منجر به تضعیف مقصود الهی از تکرار صورت پذیرفته در آیات می‌گردد. از این رو اهل فن در مواردی این چنین به جهت تعاضد هرچه بیشتر آهنگ کلام با مضمون آن، اصل را بر وقف گذارده‌اند. (ابن الجزری، ۲۲۴/۱؛ ابن اثیر، ۲۲۴/۱)

توازن آوایی و شوق استماع

صوت، ابزار لفظ است و توازن آوایی همان ادای صحیح واژگان از طریق اعطای حق حروف و اصوات است. امری که شنونده را در برابر نظام آوایی تکامل یافته قرار می‌دهد. (الجاحظ، ۱۱۸: ۷۹/۱) نظامی که در آن هیچ آوایی بر آوای دیگر سبقت نجسته و هریک در جایگاه خویش قرار گرفته‌اند. مطلوبی که جلوه‌ی تمام آن را می‌توان در قرآن یافت و رعایت قوانین حاکم بر آن از سوی قاری، شنونده را بیش‌تر تحت تأثیر آوای ملکوتی قرآن کریم قرار داده و شوق گوش جان سپردن به کلام وی را در وی افزایش می‌دهد. (صبحی التیمی، ۲۷۰) چراکه ادای صحیح نغمات از سوی قاری، توازن را که طبیعت کلام الله است، برای شنونده‌ی قرآن آشکار می‌نماید و این ترکیب بی‌نظیر او را مجذوب کلامی می‌نماید که در هیچ‌یک از انواع نظم و نثر همانند ندارد. (حسان، ۲۷۰) نظم آهنگ حاکم بر سوره‌ی القارعه، در بیان فخامت و عظمت وقایع هول‌انگیز روز قیامت که در خیال بشر نیز نمی‌گنجد، یکی از نمونه‌های قابل ذکر در این بخش است. فراوانی قابل توجه مقاطع، توافق فواصل حروف پایانی و استفهام جای گرفته در حسن مطلع این سوره و بخش پایانی آن، که نه در پی پرسش و پاسخ، بلکه به دنبال بیان وقایع سخت این روز و یادآوری مسئولیت بزرگ آدمیان است، پیوندی محکم با شیوه‌ی قرائت این آیات و بهره‌مندی از لحن و نغمه‌ی متناسب با تفخیم و تعظیم قیامت دارد. (صابونی، ۵۶۸/۳-۵۷۰)

دلالت‌های معنایی

ادیبان، قرآن‌پژوهان و مفسران کلام وحی با وجود خاستگاه مشترک ادبی و تفسیری، در مواجهه با برخی از آیات قرآن رویکرد همسانی را اتخاذ نکرده و معانی متفاوتی را ارائه نموده‌اند. بهره‌گیری از تنغیم و کاربست صحیح آن یکی از عناصری است که می‌تواند در دستیابی به تفسیر صحیح این آیات و ایجاد همگرایی میان برداشت‌های موجود از آیات مؤثر باشد. در ادامه به یادکرد مهم‌ترین دلالت‌های معنایی تنغیم به همراه ذکر نمونه‌های قرآنی آن می‌پردازیم.

ایضاح و بیان معانی

وضوح معنایی کلام، ارتباطی محکم با ساختار جمله‌ها و آشکارسازی اعراب و ترکیب واژگان با محوریت ادای صحیح دارد. نمونه‌ی نخست این موضوع را می‌توان کیفیت قرائت آیه‌ی ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَتَّغِي مَرْضَاتٍ أَرْوَاجِكَ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (تحریم، ۱) دانست. آیه‌ای جای گرفته در مطلع سوره‌ی تحریم، با اسباب نزولی چندگانه (سلیمانی دودجی و احمدی، ۱۶۸) که شیوه‌ی ادا و نغمه‌ی انتخاب شده برای قرائت آن می‌تواند نقش مهمی در بیان و انتقال معنایش داشته باشد. در این آیه حرف استفهام از ابتدای فعل «تَبَتَّغِي» حذف شده و تنغیم جایگزین این ایجاز شده است.

چه اصل این واژه «أَتَّبَعِي» بوده و راهکاری جز کاربست صحیح نغمه‌ی متناسب با حذف حرف استفهام، نمی‌تواند در واضح نمودن معنای پرسش‌گرانه به کار رود. معنایی که با خطاب آمیخته به عتاب در این آیه همسو بوده (طبرسی، ۴۷۲/۱۰؛ طباطبایی، ۳۲۹/۱۹) و با کمک نغمه‌ی متناسب آشکار می‌شود.

نمونه‌ی دیگر روایتی است که در آن امام رضا (ع) در پاسخ به پرسش مأمون درباره‌ی عصمت انبیا گزارش شده است. مأمون خدمت حضرت رضا (ع) عرضه می‌دارد که شما باور به عصمت انبیا دارید و با این وجود تفسیر صحیح کاربست سه‌گانه‌ی عبارت «قَالَ هَذَا رَبِّي» از سوی حضرت ابراهیم (ع) در قرآن (انعام، ۷۶—۷۸) چگونه است؟ آیا ابراهیم به راستی به عبادت ستاره، ماه و خورشید پرداخت؟ این رخداد، منافی عصمت ابراهیم (ع) نیست؟ امام رضا (ع) در پاسخی دقیق و بی‌سابقه که نشان از پیشگامی اهل بیت (ع) در مسئله‌ی کاربردی نغمه‌ی کلام در بیان معانی قرآن کریم دارد می‌فرماید: «قَالَ هَذَا رَبِّي عَلَى الْإِنْكَارِ وَالِاسْتِخْبَارِ لَا عَلَى الْإِخْبَارِ وَالْإِقْرَارِ ... وَ إِنَّمَا أَرَادَ إِبْرَاهِيمُ (ع) بِمَا قَالَ أَنَّ يُبَيِّنَ لَهُمْ بَطْلَانَ دِينِهِمْ وَ يَثْبُتْ عِنْدَهُمْ أَنَّ الْعِبَادَةَ لَا تَحِقُّ لِمَا كَانَ بِصِفَةِ الزُّهْرَةِ وَ الْقَمَرِ وَ الشَّمْسِ»؛ ابراهیم از سر انکار و استخبار (استفهام) و نه با هدف اخبار و اقرار تعبیر هَذَا رَبِّي را بر زبان آورد. ... همانا ابراهیم (ع) با آن‌چه گفت، خواست تا برای مشرکان، بطلان دینشان را روشن سازد و برایشان ثابت کند که پرستش امثال ستاره، ماه و خورشید نارواست. (الصدوق، ۱۷۴/۱-۱۷۶)

درنگ در این روایت نشان از آن دارد که امام رضا (ع) بدون اشاره به واقعه‌ای تاریخی و یا گزارش روایتی از اجداد پاک خویش، و یا حتی بدون استفاده از آیاتی از دیگر سوره قرآنی، تنها با درنگ در سیاق و نقش‌آفرینی نغمه‌ی کلام در معنابخشی آیه به پاسخ اشکال عصمت حضرت ابراهیم (ع) پرداخت. در واقع تعبیر «هَذَا رَبِّي» با سه بار بسامد و تکرار در آیات هفتاد و ششم تا هفتاد و هشتم سوره انعام، منجر به شکل‌گیری سؤال دقیق مأمون مبنی بر چگونگی پذیرش عصمت حضرت ابراهیم (ع) شده بود و امام رضا (ع) با تأکید بر خوانش استفهامی و ریتم انکاری همین تعبیر، آغاز و انجام را به یکدیگر پیوند داد. تعبیری که خود دست‌مایه‌ی اشکال بود و نشان‌گر پرستش اجرام آسمانی توسط قهرمان توحید بود، اما به یکباره مبدل به پاسخ اشکال گردید. امام رضا (ع) با کاربست تنغیمی و آوایی صحیح تعبیر «هَذَا رَبِّي» مأمون را راهنمایی نمود که گفتار ابراهیم (ع) اخباری و اقراری نبوده، بلکه آمیزه‌ای از انکار و استخبار را به همراه دارد. شایان ذکر است که درون‌مایه‌ی استفهام و انکار در آیه براساس سفارش رضوی (ع)، نغمه‌ی رو به بالا در قرائت فراز «قَالَ هَذَا رَبِّي» را اقتضا می‌کند. نغمه‌ای متمایز از نوای یکنواخت پیش و پس خود، که به زیبایی معنای آیه را هویدا می‌سازد.

تنوع آهنگ و تکرر معنا

تنغیم افزون بر کارکرد ایضاحی در آیات مشکل قرآن کریم، می‌تواند در آیاتی که ساختار نحوی آن تاب افاده‌ی معانی گوناگونی را دارد، به عنوان عنصری سازنده در جهت یادکرد انواع معانی برآمده از آیه استفاده شود. آیه‌ی ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر، ۹) را می‌توان نمونه‌ای برای این کارکرد قلمداد کرد. چراکه این آیه را از نظر آهنگ و نغمه‌ی کلام می‌توان به چند شیوه قرائت نمود. نخست نغمه‌ی استفهام مبتنی بر انکار است. نغمه‌ی که نابرابر بودن میان آگاه و ناآگاه را برای شنونده مشخص می‌نماید. آهنگ دیگر، آهنگ تعجبی است. نغمه‌ای که شگفت‌آور بودن، مساوی انگاشتن عالم و جاهل را نمایان می‌سازد. همچنین می‌توان آیه را با آهنگ دال بر معنای نفی تلاوت نمود. تلاوتی که براساس نابرابر بودن دانا و نادان بنیان یافته است.

دیگر نمونه‌ی این‌گونه دلالت تنغیم، آیاتی از قرآن کریم است که در آن اسلوب طلب به کار رفته است. ساختاری که می‌تواند گاه همچون آیه‌ی ﴿فَاتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمُ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (یونس، ۳۸) معنای تعجیز و ناتوان شمردن مخاطب را به دنبال داشته باشد. و یا همچون آیه‌ی ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ﴾ (بقره، ۱۲۶) معنای دعا و درخواست دانی از عالی را دربرگیرد. مشهود است که وجه تمایز تمامی این موارد برای مخاطبان و شنوندگان کلام الهی، کاربست صحیح نغمه‌ی و آهنگ متناسب با گزاره‌های قرآنی است.

فهم و حفظ قرآن

بی‌تردید حفظ و به خاطر سپردن لفظ و ظاهر قرآن کریم دارای آثار فراوانی است که در جسم و روح آدمی اثرگذار است. اما با این وجود نباید از مجموعه سفارش‌هایی که در آن بر تدبیر و درنگ در معانی قرآنی و آمیخته شدن آن با جان حامل کلام وحی تأکید شده غافل شد. (کلینی، ۰۳/۲-۶۰۶) بنابراین به خاطر سپردن کلمات و عبارات بدون در نظر داشتن ارتباط و معنای منطقی میان آن‌ها تلاشی ناپایدار و ناتمام دانست. از این رو دیگر کاربرد تنغیم در عرصه‌ی دلالت معنایی، تسهیل حفظ و جای‌گیری الفاظ و عبارات‌های قرآن نزد شنوندگان آن است. چه قرائت صحیح براساس نغمه‌ی متناسب با آیات، شنونده را در ردیابی معانی متوالی و شناخت نقاط اتصال و انفصال کلام یاری می‌رساند. امری که به سبب همگامی همزمان الفاظ و مفاهیم در ذهن و قلب مخاطب، در صورت همراهی صدای خوش و ایمان قاری به آیات، تثبیت واژگان و معنای آن را در شنونده به دنبال داشته و وعده‌ی الهی ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ﴾ (بقره، ۱۲۱) را محقق می‌سازد. همان‌طور که در وصف قاری شایسته‌ی قرآن آمده که وی کسی است که قرائتش بر مبنای معنای آیات است و این فهم در قرائتش جلوه‌گری می‌نماید. آن‌طور که در آیات وعد، شوق خویش را آنچنان آشکار می‌سازد که شنونده را به وجد و شوق درآورده و در آیات وعید با قرائت

ترسان خویش، انذار الهی را متبلور ساخته و شنونده را متنبه می‌سازد. (الزکشی، ۱۸۱/۲) اشباع حرکت فتحه در آخر آیاتی چند از سوره‌ی احزاب ﴿تَطُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا﴾ (۱۰)، ﴿يَقُولُونَ يَلَيْتَنَا أُطَعْنَا اللَّهُ وَ أُطَعْنَا الرَّسُولَا﴾ (۶۶)، ﴿يَقُولُونَ يَلَيْتَنَا أُطَعْنَا اللَّهَ وَ أُطَعْنَا الرَّسُولَا﴾ (۶۷) را می‌توان در زمره‌ی این‌گونه کارکرد تنغیم به شمار آورد. چه این آهنگ از یکسو منجر به بیان صحیح آیه گشته و از سوی دیگر زمینه‌ساز نفوذ و پابرجایی هرچه بهتر آن در وجود شنونده می‌شود.

نتیجه‌گیری

توجه به قرائت صحیح قرآن کریم و بهره‌گیری از شیوه‌ها و شگردهای مؤثر در آن، سفارشی پرتکرار از سوی مقام معظم رهبری در دیدارهای ایشان با قاریان در سی و اندی سال گذشته است. امری که افزون بر توجه قاریان کلام وحی، نیازمند تحقیق اهل تتبع و ایجاد گفتمان علمی و ترویج قاعده‌مند و مستدل است.

قرائت قرآن کریم در دیدگاه رهبری، امری مستقل و در حد خویش ضروری است. چراکه پیاده‌سازی صحیح آن از یک سو زمینه‌ساز شکل‌گیری فضای قرآنی در جامعه است. و از سوی دیگر موجب تأثیر بیش از پیش قرآن بر جان مخاطبان و شنوندگان می‌شود.

در نگاه آیت الله خامنه‌ای هدف نهایی از قرائت و تربیت قاریان متخصص، اتباع قرآن و متذکر شدن به آن در میان افراد جامعه است. امری که افزون بر مجهز شدن قاریان به دانش قرائت و روش‌های فنی آن، نیازمند نیت‌ی پاک، قلبی پاک و به دور از هرگونه آرایش می‌باشد.

آگاهی از وقف و ابتدا و مواضع قطع و وصل، شناخت تکیه‌های کلام، تسلط بر الحان متناسب با آیات، اعتدال در تلاوت اختلاف قرائات و کاربست موارد مؤثر در معنا، پرهیز از شیوه‌های ناکارآمد همچون یک نفس خوانی و به کارگیری الحان آوازه‌خولنان، توجه به معنای آیات و انتخاب خوانش متناسب با آن، انخفاص و اعتلای صدا به معنای بالا رفتن و پایین آمدن صدا براساس ارتباط با آیات و تکرار برخی فرازهای ویژه در شمار نکات مطرح شده از سوی رهبر معظم انقلاب در مهندسی تلاوت است. مواردی که بیش از همه بر آگاهی از معانی آیات و آهنگ کلام تکیه داشته و مورد تحلیل و ارزیابی این تحقیق قرار گرفته است.

تکیه بر قرائت آهنگین در معناپردازی آیات قرآن و کشف مقاصد آن، شیوه‌ی قرآن‌مداری است که بر تبیان بودن کلام وحی استوار می‌باشد. رویکردی که از یک‌سو منجر به پی‌جویی اعجاز موسیقایی کلام وحی و دریافت شیوه‌های گوش‌نوازی معجزه‌ی خاتم می‌گردد و از سوی دیگر انسجام نظام آوایی و معنایی قرآن کریم را نمایان می‌سازد.

گرچه کاربست آهنگ در فهم کلام و ادای سخن در ادبیات کنونی ظهور و بروز بیشتری یافته و عنوانی مشخص پیدا نموده است. اما رگه‌هایی آشکار از وجود و به کارگیری آن توسط پیشگامان ادب عربی و پیش‌تر از آن در روایات اسلامی در معناپردازی قرآن کریم یافت می‌شود. تنغیم، با وجود نقش‌آفرینی سازوار با پدیده‌ی نبر و وقف و ابتداء، ساز و کاری مستقل از هر کدام از این دو مفهوم متقارب را دنبال می‌نماید. چه تنغیم، همچون نبر و وقف تنها به عرصه‌ی واکاوی مفردات قرآنی و تکیه بر واژگانی مشخص محدود نمی‌شود. بلکه شناخت صحیح نغمه‌های آیات قرآن، زمینه‌ساز کشف نظم حاکم بر سیاق و ارتباط معنایی آیه یا آیات مورد بررسی با گزاره‌های مشابه آن در دیگر سوره قرآنی می‌گردد.

بر قاریان قرآن کریم است تا افزون بر رعایت قواعد تجویدی و درست ادا نمودن حروف، با دقت در انتخاب نغمه‌ی همساز با آیات تلاوت شده و توجه به اثرگذاری آهنگ کلام در شنوندگان، کوشش خویش در تحقق عنوان ترتیل و قرائت حسن را به کمال برسانند. ایضاً و بیان معانی آیات قرآن کریم، کشف تکثر معنایی مرتبط با نغمه‌ی آیات و آسان‌سازی و بادوام نمودن کوشش حفظ قرآن کریم را می‌توان مهم‌ترین کارکردهای معنایی قرائت آهنگین برشمرد. با این وجود بر پژوهشگران معارف و مطالعات قرآنی است، که پژوهش پیش رو را گسترش داده و با واکاوی هرچه بیشتر و تحقیق در نمودارسازی دلالت‌های معنایی آهنگ کلام در فهم قرآن کریم و دست‌یابی به یافته‌های نوین در این عرصه، زمینه‌ی به کارگیری هرچه بیشتر این عنصر آوایی در حوزه‌ی مطالعات تفسیری را مهیا سازند.

در نظر گرفتن و ورود موضوع آهنگ و موسیقی کلام و کارکردهای آوایی و دلالت‌های معنایی آن در فهم قرآن کریم و روایات اسلامی به شیوه‌ای روشمند و منسجم در سرفصل‌های آموزشی و پژوهشی مرتبط با ادبیات عرب، قرائت و تفسیر قرآن کریم و فقه الحدیث در حوزه‌های علمیه و رشته‌های دانشگاهی مرتبط، به عنوان شیوه‌ای مؤثر در گفتمان‌سازی و ترویج علمی این عامل اثرگذار در فهم متون اسلامی، پیشنهاد پایانی تحقیق حاضر است.

منابع

قرآن کریم

- ابن الجزری، محمد بن محمد (۱۳۵۰ق)، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، القاهرة: مکتبة القدس بالازهر.
- _____ (۲۰۰۳م)، النشر فی القراءات العشر، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن جنی، أبو الفتح عثمان بن جنی (۱۴۳۱ق)، الخصائص، بیروت: عالم الکتب.
- ابن سینا، ابو علی حسین عبد الله (۱۹۵۴م)، الشفاء، تحقیق ابراهیم مدکور و محمد سلیم سالم، القاهرة.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریاء (۱۹۷۹م)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الفکر.
- الازهری، محمد بن احمد (۲۰۰۱م)، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- الأشموني، احمد بن محمد (١٣٥٣ق)، منار الهدى فى بيان الوقف و الابتداء و معه المقصد لتلخيص ما فى المرشد من الوقف و الابتداء، مصر: مصطفى البابى الحلبى.
- الانطاكى، محمد (١٩٦٩م)، دراسات فى فقه اللغة، بيروت: دار الشرق العربى.
- الصالح، صبحى ابراهيم (٢٠٠٠م)، مباحث فى علوم القرآن، بيروت: دار العلم للملايين.
- ألوسى، شهاب الدين محمود (١٤٣١ق)، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى، بيروت: الرساله.
- الانبارى، محمد بن قاسم (١٣٩١ق)، ايضاح الوقف و الابتداء فى كتاب الله عزّ و جلّ، تحقيق محيى الدين عبد الرحمن رمضان، دمشق: مجمع اللغة العربيه.
- انصارى، زكريا بن محمد (١٩٨٧م)، تحفة نجباء العصر، بغداد: جامعة بغداد.
- انيس، ابراهيم (١٩٦١م)، الاصوات العربيه، القاهرة: دار النهضة العربيه.
- _____ (١٩٩٣م)، الاصوات اللغويه، القاهرة: مكتبة الأنجلو المصريه.
- _____ (١٩٧٥م)، دلالة الالفاظ، القاهرة: مكتبة الأنجلو المصريه.
- ايوب، عبد الرحمن (١٩٦٣م)، اصوات اللغة، مصر: دار التأليف.
- باى، ماريو (١٩٩٨م)، أسس علم اللغة، ترجمه و تعليق احمد مختار عمر، القاهرة: علم الكتب.
- البدوى، محمود سيويه (١٤١٥ق)، الوجيز فى علم التجويد، قاهرة: مركز الاسكندرية للكتاب.
- بركّه، بسام (١٩٨٨م)، علم الأصوات العام أصوات اللغة العربيه، بيروت: مركز الانتماء القومى.
- بروكلمان، كارل (١٩٧٧م)، فقه اللغات الساميه، ترجمه رمضان عبد التواب، رياض: جامعة عين شمس.
- بشر، كمال (٢٠٠٠م)، علم الاصوات، القاهرة: دارغريب.
- بنتاجه، محمد (١٩٧١م)، اصول فن تلاوة القرآن الكريم، بيروت: دار الكتب العلميه.
- البياتى، سناء (٢٠٠٧م)، التنغيم فى القرآن الكريم، بغداد: مركز احياء التراث العربى.
- پورت، جان ديون (١٣٨٢ش)، عذر تقصير به پيشگاه محمد و قرآن، ترجمه سيد غلامرضا سعدي، تهران: اطلاعات.
- التميمي، صبيح (٢٠٠٣م)، دراسات لغويه فى التراث القديم، عمان: دار مجدلاوى.
- الجاحظ، أبو عثمان عمرو بن بحر (١٤١٨ق)، البيان والتبيين، القاهرة: مكتبة الخانجى.
- جبل، محمد حسن (١٤٣٥ق)، المختصر فى اصوات اللغة العربيه؛ دراسة نظريه و تطبيقيه، القاهرة: مكتبة الآداب.
- الجرجاني، عبد القاهر (١٩٧٨م)، دلائل الاعجاز، تصحيح الشيخ محمد عبده، بيروت: دار المعرفة.
- الجزرى، ابو الخير محمد بن محمد (١٤٢١ق)، النشر فى القراءات العشر، تصحيح على محمد الضباع، بيروت: دار الكتب العلميه.
- الجناديه، احمد سلامه (١٤٣٧ق)، نبر الاسم الجامد و المشتق دراسة فيزيائيه تطبيقيه، دار الجنان: عمان.
- الجوارنه، يوسف عبدالله (٢٠٠٢م)، التنغيم و دلالتة فى العربيه، مجلة الموقف الادبى، مجلد ٣١، العدد ٣٦٩، ص ٢٤-٤٢.
- الجوهري، اسماعيل بن حماد (١٤٠٧ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربيه، بيروت: دار العلم للملايين.

- حاجی زاده، مهین (۱۳۸۸ش)، دستورنویسی و زبان‌شناسی عربی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- حبلس، محمد یوسف (۱۹۹۳م)، اثر الوقف علی الدلالة التركيبية، القاهرة: دار الثقافة العربية.
- حسام الدين، كريم زكي (۱۹۹۲م)، الدلالة الصوتية، مصر: مكتبة الانجلو المصرية.
- حسان، تمام (۱۴۲۰ق)، البيان في روائع القرآن، القاهرة: عالم الكتب.
- _____ (۱۹۹۴م)، اللغة العربية ومعناها، القاهرة: دار الثقافة.
- _____ (۱۹۹۰م)، مناهج البحث في اللغة، القاهرة: دار الثقافة.
- حمدان رضوان، ابوعاصي (۲۰۰۹م)، الأداءات المصاحبة للكلام وأثرها في المعنى، مجلة الجامعة الإسلامية (سلسلة الدراسات الإنسانية) المجلد السابع عشر، العدد الثاني، ص ۵۷-۹۰.
- خالدی، احمد، معارف، مجید، ایازی، محمد علی، مهریزی، مهدی (۱۴۰۱ش)، «تأملی بر گستره‌ی اثرگذاری لهجه‌ها، تنوع صوتی و تنغیم در توسعه‌ی قرائت قاریان و خوانش متن»، دو فصلنامه علمی مطالعات قرائت قرآن، شماره ۱۸، ص ۳۱-۶۰.
- الخويسكى، زين (۱۴۲۸ق)، الاصوات اللغوية، الاسكندرية: دار المعرفة الجامعية.
- الداني، ابو عمرو (۱۴۰۷ق)، المكتفى في الوقف و الابتداء، تحقيق يوسف المرعشلي، بيروت: مؤسسه الرسالة.
- الرافعي، مصطفى صادق (۱۹۹۰م)، اعجاز القرآن و البلاغة النبوية، بيروت: دار الكتاب العربي.
- رحمتی، سيد مهدی، حاجی اکبری، فاطمه (۱۴۰۰ش)، «کاربست علوم ادبی در فهم و تفسیر قرآن کریم؛ مطالعه موردی تفسیر نیشابوری»، دو فصلنامه مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، شماره ۹، ص ۲۱۲-۲۳۹.
- رحمتی، سيد مهدی، جمشیدی مهر، فردین، محبتی، مریم (۱۴۰۲ش)، «تحلیل عبارات متضمن تحقیق در آیات قرآن با تأکید بر آرای ادبی تفسیری آلوسی»، دو فصلنامه مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، شماره ۱۲، ص ۲۰۴-۲۲۷.
- الزرقانی، محمد عبد العظيم (۱۳۷۲ق)، مناهل العرفان في علوم القرآن، قاهرة: دار احیاء الكتب العربية.
- الزرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق)، البرهان في علوم القرآن، تحقيق محمد أبو إبراهيم، بيروت: دار المعرفة.
- سخاوی، علی بن محمد (۱۴۱۳ق)، جمال القراء و کمال الاقراء، بيروت: دار البلاغة.
- سليمان، فتح الله (۲۰۰۸م)، دراسات في علم اللغة الحديث، القاهرة: دار الآفاق العربية.
- سليمانی دودجی، احمدی، مهدی (۱۴۰۰ش)، «بازخوانی سبب نزول آیات اول سوره تحریم با تکیه بر بافت و قرائن تاریخی»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۲۹، ص ۱۶۷-۱۹۷.
- سیب، خیر الدین (۱۴۲۸ق)، الاسلوب و الاداء في القراءات القرآنية دراسة صوتية تباينية، دمشق: دار الكلم الطيب.
- سیبویه، عمرو بن عثمان بن قنبر (۱۹۹۸م)، الكتاب، تصحیح و شرح عبدالسلام محمد هارون، القاهرة: الخانجي.
- شبل، عزة (۱۴۳۰ق)، علم لغة النص النظرية و التطبيق، القاهرة: مكتبة الآداب.
- الصابوني، محمد علی (۱۴۲۱ق)، صفة التفاسير، بيروت: دار الفكر.

الصدوق، محمد بن بابویه (۱۴۰۴ق)، عیون اخبار الرضا (ع)، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
 الطالب، هایل محمد (۱۴۲۴ق)، ظاهرة التنغيم في التراث العربي، مجلة التراث العربي، العدد ۹۱، ص ۸۰-۹۸.
 طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۰۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
 طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرين و مطلع النیرین، تهران: مرتضوی.
 العانی، سلمان حسن (۱۴۰۳ق)، التشکيل الصوتی فی اللغة العربیة فونولوجیا العربیة، جدة: النادی الأدبی الثقافي.

عبد الجلیل، عبد القادر (۱۴۱۸ق)، الاصوات اللغویة، عمّان: دار الصفاء للطباعة و النشر و التوزیع.
 عبد اللطیف، محمد حماسه (۲۰۰۶م)، النحو و الدلالة (مدخل لدراسة المعنی النحوی الدلالی)، القاهرة: دار غریب.

العزوی، سمیر وحید (۱۴۲۱ق)، التنغيم اللغوی فی القرآن الکریم، عمّان: دار الضیاء.
 العزوی، نغمه رحیم (۲۰۰۱م)، مناهج البحث اللغوی بین التراث و المعاصرة، عراق: المجمع العلمی.
 عمر، احمد مختار (۱۹۹۱م)، دراسة الصوت اللغوی، القاهرة: عالم الکتب.
 عیاد، شکری محمد (۱۹۶۸م)، موسیقی الشعر العربی، القاهرة: دار المعرفه.
 غامدی، منصور بن محمد (۱۴۲۱ق)، الصوتیات العربیة، ریاض: مکتبه التوبه.
 غیبی، عبد الاحد و سولماز پرشور (۱۳۹۷ش)، «واکاوی ایقاع نبر و تنغیم در جزء ۳۰ قرآن کریم»، دو فصلنامه مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، سال اول، شماره دوم، ص ۴۹-۶۴.
 فراستخواه، مقصود، زبان قرآن (۱۳۷۶ش)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۹۸۰م)، کتاب العین، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
 فرج، حسام احمد (۲۰۰۷م)، نظریه علم النص، القاهرة: مکتبه الآداب.
 القمی النیسابوری، نظام الدین الحسن بن محمد بن الحسین (۱۳۸۱ق)، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق إبراهيم عطوة عوض، مصر: البابي الحلبي.

کشک، احمد (۲۰۰۶م)، من وظائف الصوت اللغوی محاولة لفهم صرفی ونحوی ودلالی، القاهرة: دارغریب للطباعة والنشر.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
 محیسن، محمد سالم (۱۴۱۲ق)، الكشف عن احكام الوقف و الوصل فی العربیة، بیروت: دار الجیل.
 محمد بشر، کمال (۱۹۸۰م)، علم اللغة العام الاصوات، القاهرة: دار المعارف للطباعة والنشر.
 مشتاق عباس، علی (۱۴۲۴ق)، أثر التفكير الصوتی فی دراسة العربیة، یمن: جامعة صنعاء.
 معلوف، لويس (۱۳۹۰ش)، المنجد، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات ایران.
 مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
 الموسوی، مناف مهدی (۲۰۰۷م)، علم الاصوات اللغویة، بغداد: دار الکتب العلمیة.

- النحاس، ابوجعفر (١٩٧٨م)، القطع و الائتلاف، تحقيق احمد خطاب العمر، بغداد: مطبعة العاني.
- نصر، محمد مكي (١٣٤٩ق)، نهاية القول المفيد في علم التجويد، تصحيح على محمد ضباع، مصر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده.
- النوري، محمد جواد (٢٠٠٣م)، علم اصوات العربية، فلسطين: جامعة القدس المفتوحة.
- نوزاد، حسن احمد (٢٠٠٧م)، المنهج الوصفي في كتاب سيبويه، مكة المكرمة: دار دجلة.